علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۷۳-۸۴

بررسی سندی و دلالی روایات دال بر اشتراک حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در نام پدر

علی‌اصغر محمدی[۱] / حسین محمدی[۲]

چکیده: عقیده مشهور امامیه آن است که نام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف «محمد» و نام پدر ایشان «حسن» است. با این حال، در برخی منابع روایی شیعه و سنی، احادیثی یافت می‌شود که افزون بر هم‌نامی آن حضرت با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، بر اشتراک در نام پدر (عبدالله) نیز دلالت دارند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از بررسی‌های سندی و دلالی، به تحلیل این دسته از روایات پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که روایات دال بر اشتراک نام پدر، از جهت سندی ضعیف و فاقد حجیت هستند؛ راویان کلیدی آن‌ها تضعیف شده و محدثان معتبر، این حدیث را تنها با عبارت «نام او نام من است» روایت کرده‌اند و زیاده «اسم ابیه اسم ابی» در روایات منقولشان دیده نمی‌شود. از نظر دلالی نیز این زیاده قابل تأویل به وجوهی چون اطلاق «اسم» بر کنیه یا صفت، کاربرد «اب» به معنای جد، تصحیف «ابنی» به «ابیه» یا تطابق در کنیه‌هاست. افزون بر این، قرائن دیگری بر مجعول بودن این دسته از روایات وجود دارد که با انگیزه‌هایی همچون تضعیف عقیده شیعه یا تحکیم جایگاه گروهی دیگر صورت پذیرفته است. در نتیجه، روایات مذکور نمی‌توانند بر خلاف عقیده قطعی امامیه در نام پدر حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حجیتی داشته باشند.

کلیدواژگان: حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، روایات اشتراک نام پدر، بررسی سندی، بررسی دلالی.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. قزوین، ایران aliasghar.mohamadi@isr.ikiu.ac.ir
۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. قزوین، ایران H.mohammadi@isr.ikiu.ac.ir

مقدمه:

عقیده قطعی شیعه امامیه در مورد نام و نسب امام دوازدهم آن است که نام ایشان محمد، فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام و نهمین فرزند از نسل امام حسین بن علی علیه‌السلام است. بر این مسئله، روایات بسیار زیادی در منابع شیعه دلالت دارد. همچنین در منابع فراوانی از اهل سنت نیز از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که ایشان را همنام خود معرفی کرده‌اند؛ اما در میان روایات شیعه و سنی در مواردی به برخی روایات برمی‌خوریم که نام پدر حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را نیز همنام پدر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، یعنی عبدالله، معرفی می‌کنند. بررسی هویت این روایات و تحلیل آن‌ها مسئله‌ای است که در این تحقیق به آن می‌پردازیم.

۱- روایات دال بر همنامی حضرت مهدی با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

در منابع شیعه و سنی روایات فراوانی داریم که به همنامی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تصریح دارند بدون آنکه در آن‌ها قیدی مبنی بر همنامی در نام پدر نیز وجود داشته باشد. در ذیل به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف: منابع شیعی

- پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. در آفرینش و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است. برای او غیبتی خواهد بود و سرگردانی که در آن امت‌ها گمراه می‌شوند. سپس مانند شهابی فروزان ظاهر می‌شود، زمین را همان‌گونه که از ستم و ظلم پر شده بود، از عدل و داد پر می‌کند».[1]

- از امام صادق علیه‌السلام، از پدرانش علیهم‌السلام روایت شده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. در آفرینش و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است. برای او غیبتی و سرگردانی خواهد بود تا جایی که مردم در دین خود گمراه شوند. پس در آن هنگام مانند شهابی فروزان ظاهر می‌شود و زمین را

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج۱؛ ص ۲۸۶

همان‌گونه که از ستم و ظلم پرشده بود، از عدل و داد پر می‌کند».[1]

این‌ها نمونه‌هایی از روایات شیعی است که البته نمونه‌های آن به فراوانی در منابع شیعه یافت می‌شود.[2]

ب: منابع سنی

- از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است که فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه مردی از اهل‌بیت من حکومت کند که نام او همنام من باشد».[3]

- پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از اهل‌بیت من بر عرب حاکم شود که نامش همنام من باشد».[4]

در منابع اهل سنت نیز روایات بسیار زیادی در این معنا واردشده است که به نمونه‌هایی اشاره شد.[5]

این‌ها نمونه‌های کوچکی از روایات شیعه و سنی است که بر اشتراک حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در نام و کنیه دلالت دارند بدون آن‌که قید اشتراک در نام پدر در آن‌ها ذکرشده باشد.

اما در منابع شیعه و سنی به روایات دیگری با همین مضمون و حتی با همین الفاظ برمی‌خوریم که قیدی دیگر به آن‌ها افزوده‌شده است و در آن‌ها پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علاوه بر اشتراک در نام و کنیه، حضرت مهدی را در نام پدر نیز با خود مشترک می‌دانند.

---

۱. همان؛ ص ۲۸۷

۲. همان؛ ج۲؛ ص ۴۱۱ و مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ ج۲؛ ص ۳۴۰ و طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة؛ و فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین؛ ج۲؛ ص ۲۶۱ و هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالي؛ ج۲؛ ص ۹۵۸

۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۶؛ ص ۴۲

۴. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذي، ج۴؛ ص ۲۴۵

۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۷؛ ص ۱۷۴ و ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذي، ج۴؛ ص ۲۴۵

۲- روایات دال بر اشتراک پیامبر و حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در نام پدر

این روایات نیز هم در منابع شیعه و هم سنی وارد شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسد تا اینکه خداوند عزوجل مردی از اهل‌بیت من را برانگیزد که نامش نام من، کنیه‌اش کنیه من و نام پدرش نام پدر من است. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پرشده است.»[۱]

- پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند متعال آن روز را آن‌قدر طولانی می‌کند تا اینکه مردی را برانگیزد.» [راوی] گفت: و در حدیث ابوهریره آمده است: «تا اینکه مردی زمام امور را به دست گیرد.» [راوی] گفت: و در روایتی دیگر آمده است: «تا اینکه مردی از من و از اهل‌بیت من بر عرب حکومت کند که نام او با نام من و نام پدرش با نام پدرم یکسان باشد. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پرشده باشد.[۲]

روایات دیگری در منابع شیعه و سنی در این معنا واردشده که از باب نمونه به مواردی اشاره شد.[۳]

۳- بررسی وجوه و تحلیل مفاهیم روایات

ملاحظه می‌شود که در مجموع، روایات پیش‌گفته بر اشتراک در سه مطلب تأکید شده است که عبارت‌اند از نام، کنیه و نام پدر.

اشتراک در نام، مورد اتفاق همه دانشمندان است اما همان‌طور که می‌دانیم کنیه پیامبر، ابوالقاسم و نام پدر ایشان عبدالله است. حال باید دید با روایات دال بر این

---

۱. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة ص ۲۹۷

۲. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار ص ۴۳۲

۳. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة (للطوسي)/ کتاب الغیبة للحجة ص ۱۸۰ و اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة في معرفة الأئمة؛ ج۲؛ ص ۴۳۸ و ص ۴۷۱

اشتراکات چگونه می‌توان برخورد کرد. در آثار دانشمندان، وجوه مختلفی برای این‌گونه روایات وارد شده که به آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱- زیادت قید «اسم ابیه اسم ابی»:

برخی علما تصریح دارند که این قید از زیادات راویان پسین بوده و در اصل روایت وجود ندارد. روایات دسته اول که از باب نمونه به برخی از آن‌ها اشاره کردیم می‌توان قرینه‌ای بر این نظر باشند چراکه در آن‌ها اثری از این قید چه در منابع شیعی و چه سنی نیست.

گنجی شافعی در این مورد می‌گوید:

و شخص خردمند شک نمی‌کند که این اضافه، با اجماع این امامان برخلاف آن، اعتباری ندارد. ابو داوود ذکر کرده است: و در بیشتر روایات حافظان و افراد مورد اعتماد در نقل اخبار، اسم او فقط اسم من است. و آنچه روایت‌شده و اسم پدرش اسم پدر من است، اضافه است و منظور او در حدیث است.[۱]

میرزا حسین نوری در باب چهارم «نجم الثاقب» می‌نویسد: ابن حجر مکی که از دشمنان سرسخت شیعه است. در کتاب «صواعق المحرقه» این روایت را دلیل بر رد عقیده شیعه نسبت به مهدی موعود حجت بن الحسن علیه‌السلام دانسته و گفته است: نام پدر مهدی به‌عکس عقیده شیعه، عبد اللّٰه است، نه حسن!

سپس محدث نوری می‌گوید: در تمام اخبار شیعه و بیشتر روایات اهل سنت که از پیغمبر راجع به مهدی موعود نقل‌شده فقط «اسمه اسمی» یعنی نامش نام من است، آمده چنان‌که در روایت (زرّ بن حبیش) از عبد اللّٰه بن مسعود از رسول خدا نقل شد و جمله «اسم پدرش اسم پدر من است» فقط در حدیث (زائدة بن ابی الرقاد باهلی).[۲]

یکی از محققان معاصر در این مورد بررسی‌های دقیقی انجام داده و می‌گوید:

ترمذی حدیث فوق را بدون دنباله مزبور نقل کرده و در ضمن اشاره می‌کند که آنچه

---

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام؛ ج۳؛ ص ۳۸۷

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار) - تهران، چاپ: بیست و هشتم، ۱۳۷۸ ش.

از علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و ابوسعید خدری و ام سلمة و ابو هریرة نقل‌شده است، صرفاً مشتمل بر این عبارت است: «و نام او نام من است.» آنگاه پس از حکایت حدیث از ابن مسعود بدون عبارت زاید موردنظر، می‌گوید: در این باب از علی علیه‌السلام و ابوسعید و ام سلمه و ابو هریرة نیز این حدیث روایت‌شده است و این حدیث، حسن و صحیح است. در نزد اکثر حفاظ نیز امر بدین منوال است؛ مثلاً طبرانی از طرق زیادی غیر از طریق مذکور حدیث موردنظر را تنها با عبارت «نام او نام من است» روایت کرده است. همچنان که در معجم بزرگ حدیثی خود طی احادیث شماره: ۱۰۲۱۴ و ۱۰۲۱۵ و ۱۰۲۱۷ و ۱۰۲۱۸ و ۱۰۲۱۹ و ۱۰۲۲۰ و ۱۰۲۲۱ و ۱۰۲۲۳ و ۱۰۲۲۵ و ۱۰۲۲۶ و ۱۰۲۲۷ و ۱۰۲۲۹ و ۱۰۲۳۰ به نقل حدیث مزبور پرداخته است.

همچنین حاکم ضمن نقل حدیث ابن مسعود با تعبیر «نام او مشابه نام من است»، می‌افزاید: این حدیث بر اساس شروط موردنظر شیرین صحیح است، ولی ایشان آن را روایت نکرده‌اند.[۱]

ذهبی نیز در این باب از او پیروی کرده است. بغوی هم حدیث ابن مسعود را بدون عبارت زاید مورد بحث نقل کرده و آن را «حسن» می‌شمارد. جالب این که مقدسی شافعی با صراحت کامل می‌گوید: ائمه حدیث این «اضافه» را نقل نکرده اند. او پس از حکایت حدیث ابن مسعود چنین می‌گوید: این روایت را عده ای از ائمه حدیث در کتب خود نقل کرده اند، ازجمله امام ابو عیسی ترمذی در جامع و امام ابوداود در سنن و حافظ ابوبکر بیهقی و شیخ ابو عمرو دانی که همگی آن را بدین صورت نقل کرده اند.[۲]

و منظور او از «بدین صورت» این است که عبارت «نام پدرش نام پدر من است» در آن‌ها دیده نمی‌شود. آنگاه بخشی از احادیث مؤ ید نظر خود را ذکر کرده و به روایت کنندگان آن‌ها مانند طبرانی، أحمد بن حنبل، ترمذی، ابوداود، حافظ ابونعیم و بیهقی از ابن مسعود و عبدالله بن عمر و حذیفة اشاره می‌کند.[۳]

---

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین؛ ج۴؛ ص ۴۴۲

۲. مقدسی، عقد الدرر؛ ص ۵۱

۳. همان، صص ۵۱-۵۶

همه آنچه گفتیم، افزون بر سخن ترمذی است که روایت مزبور از طرقی غیر از طریق ابن مسعود - یعنی طریق علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ابو سعی خدری، ام سلمة و ابو هریرة - هم به صورت «نام او نام من است»، روایت‌شده است و نمی‌توان تصور تبانی همه این ائمه حدیث با یکدیگر را بر سر اسقاط این «اضافه» روا شمرد، در حالی که همگی آن را از طریق عاصم بن اءبی النجود نقل کرده اند. اساسا پذیرش احتمال اسقاط عمدی محال است. چون این فقره اضافی از اهمیت فوق العاده ای در رد سخن طرف مخالف ایشان برخوردار است.[۱]

۳-۲- «أب» در معنای «جد»:

مجلسی در بحارالانوار می‌گوید درمیان عرب لفظ «پدر» (أب) بجای «جد» استعمال می‌شود مثل اینکه خدا در قرآن میفرماید: مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْراهِيمَ و از زبان یوسف حکایت میکند که گفت «وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبائِي إِبْراهِيمَ»؛ و در حدیث است که شب معراج، جبرئیل بپیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: این پدر تو ابراهیم است.[۲]

بر این اساس یکی از وجوهی که می‌توان در توجیه این حدیث گفت آن است که مقصود از اسم ابیه در واقع اسم جده باشد که در واقع جد حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف همان عبدالله است که پدر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

۳-۳- اطلاق اسم بر کنیه و صفت:

علامه مجلسی وجهی دیگر در توجیه این روایت می‌آور و میگوید: کلمه «اسم» به کنیه و صفت هم اطلاق می‌شود. چنان‌که بخاری و مسلم روایت کرده‌اند که پیغمبر نام علی علیه‌السلام را ابو تراب گذاشت و هیچ اسمی را هم بمثل ابو تراب دوست نمیداشت! بنا بر این چون حجت غائب از اولاد امام حسین علیه السّلام است پیغمبر با این جمله مختصر اشاره باین معنی کرده است. زیرا کنیه امام حسین (ابو عبد اللّه) و اسم پدر پیغمبر هم (عبد اللّه) بوده است.[۳]

---

۱. سید ثامر هاشم العمیدی، در انتظار ققنوس: کاوشی در قلمرو موعودشناسی و مهدیباوری؛ ص ۱۰۳
۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج۵۱؛ ص ۱۰۳
۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج۵۱؛ ص ۱۰۳

۳-۴- تطابق در کنیه‌ها:

مجلسی به قولی دیگر از علمای معاصر خود اشاره کرده و می‌گوید: یکی از علمای معاصر توجیه دیگری نموده و گفته است: کنیه امام حسن عسکری ابو محمد و عبد اللّٰه پدر پیغمبر هم ابو محمد بوده است و کنیه هم داخل در عنوان «اسم» است.[۱]

۳-۵- تصحیف «ابنی» به «ابیه»:

مجلسی پس از بیان سه وجه پیشین در نهایت نظر خود را مبنی بر وقوع تصحیف در لفظ روایت بیان کرده و معتقد است در متن این حدیث جمله «اسم ابیه اسم ابنی» به «اسم ابیه اسم ابی» تصحیف یافته است.[۲]

میرزای نوری نیز به این وجه اشاره کرده و می‌گوید:

شاید اصل «و اسم أبیه اسم ابنی» بوده؛ یعنی اسم پدر او، اسم پسر من است، یعنی حسن علیه السّلام. پس ابنی به أبیه اشتباه شده و خبر را تصحیف کرده‌اند و واجب است حمل، به جهت جمع بین روایات، آنگاه گفته که قول فصل، این است[۳]

بر این معنا همچنین روایتی معروف به ابی لیلی نیز دلالت دارد که در آن به صراحت گفته شده «اسْمُهُ كَاسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ كَاسْمِ ابْنِي».[۴]

علامه مجلسی در نهایت این وجه را در مورد این روایات اختیار می‌کنند.[۵]

۳-۶- ضعف روایات دال بر اشتراک:

بررسی‌های سندی در روایات دال بر اشتراک نام و کنیه و نام پدر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نشان می‌دهد که این روایات از جهت سندی خالی از ضعف نیستند.

بررسی مجموع روایاتی که بر این اشتراک در نام پدر دلالت دارند نشان می‌دهد که این

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. نوری، حسین بن محمد تقی، نجم ثاقب در احوال امام غایب (علیه السلام)، ج۱؛ ص ۲۷۰

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج۵؛ ص ۱۳۸

۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج۵۱؛ ص ۱۰۳

روایات در مجموع از چهار طریق روایت شده اند که عبارت‌اند از:

- ابن اءبی شیبة، طبرانی و حاکم از عاصم بن اءبی النجود از زربن حبیش از عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله.[۱]

- ابو عمرودانی و خطیب بغدادی هر دو از طریق عاصم بن اءبی النجود از زربن حبیش از عبداله بن مسعود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله[۲]

- تمیم بن حماد، خطیب و ابن حجر هر سه از طریق عاصم از زربن حبیش از ابن مسعود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله[۳]

نعیم بن حماد با اسناد خود از اءبی طفیل نقل کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله.[۴]

چهار خبر فوق مستند این پندار شده‌اند که مهدی موعود فرد موهومی به نام محمد بن عبدالله است، وی تمسک به آن‌ها هیچ گاه نمی‌تواند مدعای مزبور را اثبات کند. چون سه روایت نخست به ابن مسعود منتهی می‌شوند و همگی از طریق شخصی به نام عاصم بن اءبی النجود به وی می‌رسند.[۵]

۳-۷- جعل حدیث:

برخی معتقدند این روایات با آن زیادت خاص خود از مجعولاتی هستند که توسط حسنیون یا عباسیان برای تحکیم و تثبیت حکومت صورت گرفته است.

عبارت پیش‌گفته به روایت ابن مسعود از طریق عاصم افزوده‌شده است، حال یا از طرف پیروان «حسنیون» جهت تروی ایده مهدویت محمدبن عبدالله بن حسن مثنی یا از طرف پیروان «عباسیون» جهت تبلیغ و تثبیت فکر مهدویت محمد بن عبدالله ابو جعفر منصور عباسی و آنگاه احتمال جعل، تایید و تاکی می‌شود که بدانیم محمد بن عبدالله بن حسن مثنی دارای لکنت زبان بود و یاران وی بر ابوهریرة دروغ بستند که وی روایت کرده:

---

۱. ابن ابی شیبه، المصنف؛ ج ۱۵؛ ص ۱۹۸

۲. ابوعمر دانی، السنن؛ ص ۹۴

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد؛ ج ۵؛ ص ۳۹۱

۴. نعیم بن حماد، الفتن؛ ج ۱؛ ص ۳۶۸

۵. سید ثامر هاشم العمیدی، در انتظار ققنوس: کاوشی در قلمرو موعودشناسی و مهدیب اوری؛ ص ۱۱۵

اسم امام مهدی، محمد بن عبدالله است و بر زبان وی لکنتی عارض است.[۱]

از آنجا که سه حدیث نخست از روایت عاصم بن ابی النجود از زربن حبیش از عبدالله بن مسعود مخالف با روایاتی است که بزرگان و حفاظ حدیث از وی - یعنی عاصم - نقل کرده اند، حافظ ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه)، در کتاب خود مناقب المهدی به تتبع مجموع طرق این حدیث از عاصم پرداخته و سی و یک طریق آن را گردآوری کرده است و در هیچ یک جمله «و نام پدرش نام پدر من است» وجود ندارد، بلکه تمامی آن‌ها تنها مشتمل بر این عبارت است: «و نام او نام من است.»

کنجی شافعی (ت ۶۳۸) نیز متن سخن وی را نقل کرده، آنگاه می‌افزاید:

این روایت را غیر عاصم هم از زر حکایت کرده است مانند عمروبن حرة و دیگرآن‌که تنها «نام او نام من است» را روایت کرده اند، مگر روایتی که عبیدالله بن موسی از زائدة از عاصم حکایت کرده که در آن عبارت «نام پدرش نام پدر من است» به چشم می‌خورد؛ اما فرد خردمند شک نمی‌کند که این عبارت زاید، در مقابل اتفاق نظر ائمه حدیث بر مجعول بودن آن، قابل اعتنا نیست. در پایان گوید: و فصل الخطاب این باب، نحوه برخورد امام احمد بن حنبل با این حدیث است که با نهایت دقت خود، در موارد متعددی از مسند، این حدیث را به صورت «و نام او نام من است» و بدون عبارت زیاد مزبور، روایت کرده است.[۲]

بر این اساس، روشن می‌شود که حدیث «... و نام او نام من است» و بدون عبارت زاید مزبور، روایت کرده است.

همچنین روشن می‌شود که حدیث «... و نام پدرش نام پدر من است» چنان سست و بی پایه است که هرگز نمی‌توان در مسیر شناخت پدر بزرگوار امام مهدی علیه‌السلام بدان اعتماد کرد؛ بنابراین، کسی که منتظر موعودی به نام محمد بن عبدالله است، در واقع - بر اساس داده‌های اطلاعاتی میراث غنی روایی اسلامی - در انتظار سرابی است که تشنه کام، آن را

۱. موسسه معارف اسلامی، معجم أحادیث الإمام المهدي (علیه السلام)، ج۱؛ ص ۱۶۳

۲. کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۴۸۲

آبی گوارا می‌پندارد. از این رو، استاد دانشگاه الاءزهر سعد محمد حسن تصریح می‌کند که احادیث «نام پدرش نام پدر من است» مجعول اند. هر چند نکته عجیب در سخنان وی اسناد این جعل به شیعه امامیه است. چون بنا بر تعبیر وی شیعه، خواسته است با جعل چنین حدیثی به تایید و تثبیت عقیده خود بپردازد[1]

نتیجه‌گیری:

نتیجه بحث و بررسی روایات متعدد باب نسب امام مهدی علیه‌السلام ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که ایشان از نسل امام حسین علیه‌السلام و نام ایشان مطابق نام پیامبر است و اشتراک ایشان در نام پدر که در احادیث دیگری واردشده، نه‌تنها هیچ‌گونه قرینه‌ای بر صحتشان وجود ندارد، بلکه قراین زیادی بر مجعول بودنشان در دست است.

این روایات با فرض صحت صدورشان قابل تاویل بر معنای عموم روایات وارده مبنی بر صرف اشتراک در نام هستند. مواردی از قبیل:

تصحیف ابنی به ابیه

تطابق در کنیه ها

اطلاق اسم بر کنیه و صفت

اب در معنای جد

زیادت قید «اسم ابیه اسم ابی»

منابع:

۱. ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، **الغیبة للنعمان**، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی**، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال‌الدین و تمام‌النعمة**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۵۹ ش.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **معانی الأخبار**، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، **شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار**، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۷. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، **فضائل أمیرالمؤمنین**، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.

---

۱. سعد محمد حسن، المهدیه فی الاسلام؛ ص ۶۹

۸. ابوداود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبی داود**، قاهره، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۹. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمة فی معرفة الأئمة**، تبریز، بنی‌هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، قاهره، وزارة الاوقاف، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی، **الجامع الصحیح** (سنن الترمذی)، قاهره، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۱۳. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، **مسند الدارمی** (سنن الدارمی)، ریاض، دارالمغنی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۴. سید ثامر هاشم العمیدی، **در انتظار ققنوس: کاوشی در قلمرو موعودشناسی و مهدی‌باوری**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. طبری آملی، محمد بن جریر، **دلائل الإمامة**، قم، بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، **الغیبة**، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، **روضة الواعظین**، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
۱۹. گنجی، محمد بن یوسف، **البیان فی أخبار صاحب الزمان**، تهران، دار إحیاء تراث أهل البیت، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، **مهدی موعود** (ترجمه جلد ۵۱ بحارالأنوار)، تهران، چاپ بیست‌وهشتم، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، **بحارالأنوار**، دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۲. مسعودی، علی بن حسین، **اثبات الوصیة**، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش / ۱۴۲۶ ق.
۲۳. مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، قاهره، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد**، قم، دارالمفید، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، **الفصول المختارة**، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، **عقد الدرر فی أخبار المنتظر**، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۴۲۸ ق.
۲۷. مؤسسه معارف اسلامی، **معجم أحادیث الإمام المهدی** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.
۲۸. نعیم بن حماد، **الفتن**، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق.
۲۹. نوری، حسین بن محمدتقی، **نجم ثاقب**، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ دهم، ۱۳۸۴ ش.
۳۰. هلالی، سلیم بن قیس، **کتاب سلیم بن قیس الهلالی**، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.